

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بحث در کلام شهید صدر بود که ایشان اولاً تقدیم «مالیس له بدل»، بر «ماله له بدل» را مرجح مستقل دانستند و ثانیاً در جایی که این مرجح به سایر مرجحات برگردد دو راه را بررسی کردند. راه اول برای اینکه «ما لیس له بدل» بر «ما له بدل» نه به عنوان مرجح مستقل، بلکه به این عنوان که به بعضی دیگر از مرجحات برگردد، حساب احتمالات بود. گفتند اگر در یکی از دو طرف احتمالی باشد که در طرف دیگر نباشد، وجود احتمال در يك طرف موجب اقوی بودن آن طرف بر دیگری خواهد شد.

به عنوان توضیح یا به عنوان نقد کلام ایشان باید بگوئیم در يك قسمت از عبارت، طرفین را ما لیس له بدل و ما له بدل قرار دادند و در قسمت دیگر از عبارت و در جواب این قلت، یک طرف را ازاله و بدل و یک طرف را ما لیس له بدل قرار دادند. ایشان در جواب این قلت فرمودند در يك طرف دو منشأ برای اهمیت وجود دارد 1- ما لیس له بدل 2- بدل آن مبدل. همین سبب می شود که کفه احتمال اهمیت در این طرف بیشتر از مبدل شود.

بررسی کلام مرحوم صدر

دو نکته را باید بررسی کنیم؛ نکته اول این است که حاکم در باب ملاکات و تشخیص اهم بودن شرع، عرف و یا عقل است؟ مسلّم در چنین مواردی عرف دخالتی ندارد یعنی نمی تواند بگوید این ملاک به نظر من از ملاک دیگر ارجح است.

در مورد عقل هم دو احتمال وجود دارد: الف- عقل حاکم است یعنی وقتی عقل می گوید هر دو ملاک دارند اما من احتمال می دهم يك طرف اقوای از دیگری باشد، همان تعیین پیدا کند. اگر عقل را حاکم قرار دادیم، محلی برای ورود عرف و تسامحات عرفیه وجود ندارد. اگر حتی يك هزارم احتمال اقوا بودن يك طرف از دیگری وجود داشته باشد عقل حکم به ترجیح همان طرف می دهد.

ب- عقل نمی تواند وارد میدان شود و باید به قرائن شرعیه مراجعه کنیم و ببینیم از ادله ی شرعی می توانیم استفاده می کنیم که کدام ملاک اقواست و یا حداقل احتمال اقوایت را بدهیم. و الا با قطع نظر از ادله ربطی به عقل ندارد که بگوئیم عقل احتمال اقوایت می دهد. شارع باید بگوید بین این دو واجبی که برای شما واجب کردم، به نظر من و در نزد من ملاک یکی اقوای از دیگری است. پس اگر شارع فرمود و یا احتمال دادیم در نزد شارع اقوی باشد، ترجیح پیدا می کند.

در نتیجه اگر حساب احتمالات اقوایت ملاک را از دید عقل مطرح کرد، به درد نمی خورد چون در این امور عقل دخالتی نمی تواند داشته باشد. ولی اگر حساب احتمالات کشف از اقوایت عند الشارع کند، مانعی ندارد. البته بعید نیست مراد ایشان

همین باشد که با حساب احتمالات کشف اقوائیت ملاک، عند الشارع یا احتمال اقوائیت ملاک را در نزد شارع بدهیم.

اشکال اصلی که بر این استدلال وجود دارد - ظاهر عبارت مرحوم شهید (صدر رضوان الله تعالی علیه) این است که ایشان حساب احتمالات را پذیرفته - این است که همان طوری که خودتان فرمودید باید احتمالات همه‌ی اطراف بررسی شود. یک تطهیر از خبث داریم که شستن بدن و لباس است. یک طهارت مائیه داریم وضو یا غسل و یک طهارت ترابیه داریم.

یا آب را برای طهارت از بدن و یا وضو باید استعمال کنی. احتمال می‌دهیم عندالشارع طهارت مائیه اهم باشد و احتمال می‌دهیم شستن بدن اهم باشد. احتمال می‌دهیم عند الشارع هر دو مساوی باشد. تا حالا فرقی با هم ندارد. در صورت تساوی راه دیگری از جهت احتمالات نداریم چون از جهت احتمالات با هم مساوی‌اند. مرحوم صدر در جواب این قلت فرمود تطهیر بدن و بدل را یک طرف قرار بدهیم وضو را یک طرف و چون در طرف اول دو منشأ برای اهمیت وجود دارد - تطهیر بدن و ملاکی که در بدل وجود دارد - پس قهراً احتمال اهمیتش بر طهارت مائیه باید بچربد.

اشکال ما این است که این را از کجا می‌فرمائید؟ ما یک احتمال دیگر هم می‌دهیم و آن احتمال این است که طهارت مائیه از هر دوی اینها ملاکش بیشتر باشد. یعنی وضو ملاکی دارد که اگر در یک کفه قرار بگیرد، از ملاک تطهیر بدن و طهارت ترابیه بیشتر است. ما داریم اشکال مستشکل را تقویت می‌کنیم و می‌گوئیم وقتی یک طرف تطهیر بدن و یک طرف وضو شد، احتمال می‌دهیم این طرف و یا آن طرف اهم باشد یعنی اهمیت هر کدام فی نفسه و یا احتمال تساوی.

ما می‌گوئیم ممکن است شارع بگوید اهمیت وضو برای من از طهارت خبثیه بیشتر است لذا اگر کسی نمی‌داند لباسش و یا بدنش نجس است و در عین حال نماز می‌خواند. بعد که می‌فهمد نمازش با نجاست بوده، همه می‌گویند نماز صحیح است. ولی نمی‌داند وضو نداشته بعد از نماز می‌فهمد وضو نداشته، همه می‌گویند باید اعاده کند. یعنی ممکن است از قرائنی بگوئیم طهارت مائیه از تطهیر بدن و طهارت ترابیه اقوی است. اصلاً طهارت ترابیه در جایی ملاک دارد که آبی نداشته باشیم اما الآن آب داریم. با وجود آب طهارت ترابیه شاید اصلاً ملاک نداشته باشد. لذا به نظر ما روی قانون احتمالات هم که پیش بیائیم ما لیس له بدل بر ما له بدل ترجیح ندارد.

به عبارت دیگر بحث ما در ملاک است و سوال این است که در ملاک راهی داریم که بگوئیم ما لیس له بدل به علاوه‌ی بدل آن مبدل، اهمیتش از مبدل بیشتر است؟ عرض ما این است همان‌طور که احتمال اهمیت این را می‌دهیم، این احتمال هم می‌دهیم که وضو اهم از ما لیس له بدل و بدل باشد. ضمن اینکه به آقای صدر عرض می‌کنیم یا دو طرف ازاله و صلاة است که احتمال دارد (1) هر کدام اهم از دیگری باشد، (2) هر دو مساوی باشد. یا دو طرف ازاله بعلاوه‌ی بدل و صلاة است که عین دو احتمال در این طرف هم می‌آید. روی حساب احتمالات این تجمیع موجب اقوائیت نمی‌شود لعل اینکه بگوئیم طهارت مائیه ملاکی عندالشرع دارد که صد تا طهارت ترابی و صد تا تطهیر بدن به آن نمی‌رسد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين